

تحلیل مسیر پایداری ازدواج از طریق مرزهای زوجینی و بیرونی خانواده Path Analysis of Marital Stability Through Couple Boundaries and External Family Boundaries

Jafar Houshyari¹
Kowsar Sarkhan²

جعفر هوشیاری^۱
کوشر سرکان^۲

Abstract

This research was designed to perform a path analysis of marital stability through couple boundaries and external family boundaries, conducted as a field study employing a correlational approach. The statistical population comprised all married men and women living in Qom city in 2025. A convenience sample of 180 individuals was selected from this population and participated in the study. Data collection tools included the Marital Stability Questionnaire (adapted from Spanier), the Couple Boundaries Questionnaire, and the External Family Boundaries Questionnaire (developed by Houshyari and colleagues). The gathered data were analyzed using descriptive statistics (including mean and standard deviation) and inferential statistics (such as Pearson correlation coefficient, linear regression analysis, and path analysis) in SPSS software. The findings revealed that: a) A significant positive correlation exists between marital stability and couple boundaries; b) A significant positive correlation was also found between marital stability and external family boundaries; c) Path analysis results clearly demonstrated that marital stability is significantly influenced, both directly and indirectly, by couple boundaries and external family boundaries. These results underscore the importance of the mechanisms of couple boundaries and external family boundaries in maintaining and enhancing the stability of marital relationships.

Keywords: Marital Stability, Couple Boundaries, External Family Boundaries.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مسیر پایداری ازدواج از طریق مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده طراحی و به صورت میدانی و با رویکرد همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان و مردان متأهل شهر قم در سال ۱۴۰۴ تشکیل دادند. از این جامعه تعداد ۱۸۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به عنوان نمونه پژوهش مطالعه شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های پایداری ازدواج (تکمیل شده اسپانیر)، مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده (طراحی شده هوشیاری و همکاران) بود. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (شامل میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (مانند ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی و تحلیل مسیر) در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد: الف) بین پایداری ازدواج و مرزهای زوجینی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد؛ ب) بین پایداری ازدواج و مرزهای بیرونی خانواده نیز همبستگی مثبت و معناداری مشاهده شد؛ ج) نتایج تحلیل مسیر به روشنی نشان داد که پایداری ازدواج به صورت معناداری تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده قرار دارد. این یافته‌ها بر اهمیت سازوکار مرزهای زوجینی و بیرونی خانواده در حفظ و ارتقای ثبات روابط زناشویی تأکید می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: پایداری ازدواج، مرزهای زوجینی، مرزهای بیرونی خانواده

1. Assistant Professor of Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. j.houshyari@yahoo.com

2. M.A. Student in Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

Received: July 12, 2025

Accepted: August 17, 2025

۱. استادیار روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. j.houshyari@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد واحد قم، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۵

مقدمه

ازدواج کهن‌ترین، اساسی‌ترین و پیچیده‌ترین نهاد اجتماعی بشر است و نقشی چندوجهی و حیاتی در سلامت روان، رفاه فردی، انسجام اجتماعی و بقای نسل ایفا می‌کند. این پیوند مقدس از دیرباز موهبتی الهی و ستون فقرات حیات اجتماعی به شمار رفته و همواره در طول تاریخ در جهت برآورده‌سازی نیازهای عمیق عاطفی، تأمین امنیت روانی و فیزیکی افراد و تضمین تداوم نسل بشر، جایگاه محوری داشته است (فیاض صابری و همکاران، ۲۰۱۰؛ قادری و همکاران، ۱۴۰۰). در یک نگاه کلان‌تر رابطه زناشویی پایدار، مستحکم و رضایت‌بخش، نه تنها یک توافق دوفره بلکه مولد اصلی محیطی امن، حمایتی و پرورش‌دهنده عمل می‌کند. در این بستر سلامت روانی، جسمانی و رشد همه‌جانبه تمامی اعضای خانواده از جمله زوجین و فرزندان به‌طور چشمگیری تقویت و زمینه برای ایجاد و ارتقای روابط سالم، مؤثر و پویا در درون خانواده فراهم می‌شود. درمقابل تعارضات ساختاری و عملکردی، اختلافات ریشه‌دار، سوء تفاهم‌های مستمر و به‌ویژه پدیده طلاق، نه تنها ثبات و کیفیت روابط زناشویی را به‌طور جدی تهدید می‌کنند، بلکه می‌توانند پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی، اقتصادی و حتی معنوی عمیق و ماندگاری را برای فرد، خانواده و جامعه در مقیاسی گسترده به دنبال داشته باشند (رسولی و اراس، ۱۳۹۵؛ رضایی و کریمی، ۱۴۰۱). از این دیدگاه، پایداری ازدواج نه تنها شاخصی کلیدی برای سنجش سلامت و کارایی عملکرد خانواده بلکه دستاوردی بنیادین در حفظ انسجام اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی فردی شناخته می‌شود (پیانو و همکاران، ۲۰۲۰). پایداری ازدواج به عنوان مفهومی چندبعدی، به‌طور کلی به تداوم حقوقی و حفظ چارچوب‌های رسمی و غیررسمی رابطه زناشویی در طول زمان، فارغ از هرگونه چالش یا انحلال اشاره دارد (گریگوری، ۲۰۱۹). درک عمیق‌تر سازوکارهای مؤثر بر این پایداری، نه تنها به زوجین در جهت تقویت روابطشان یاری می‌رساند، بلکه برای سیاست‌گذاران اجتماعی و برنامه‌ریزان سلامت خانواده نیز چشم‌اندازی راهبردی در جهت ایجاد و ترویج ازدواج‌های موفق و پایدار را ارائه می‌دهد (گاتمن و لونسون^۱، ۲۰۰۰). پایداری زناشویی با توجه به تأثیر عمیق آن بر رفاه فردی، رشد کودک و سلامت جامعه همچنان یک نگرانی حیاتی در مطالعات خانواده به شمار می‌رود (چرلین^۲، ۲۰۱۰؛

1. Gottman & Levenson

2. Cherlin

ویت و گالاگر^۱، ۲۰۰۰). یکی از زمینه‌های کمتر مورد بررسی، نقش مرزهای زوجین (فضای عاطفی و رابطه‌ای بین شرکا) در حفظ رضایت بلندمدت زناشویی است (نپ^۲ و همکاران، ۲۰۲۰؛ مینوچین^۳، ۱۹۷۴). تحقیقات نشان می‌دهد که مرزهای نابهنجار می‌تواند به عدم درگیری عاطفی، تشدید تعارض و در نهایت انحلال زناشویی بینجامد (بایانگ-هال^۴، ۱۹۹۵؛ اسکوورون و اشمیت^۵، ۲۰۰۳). فراتر از پویایی‌های درونی زوجین، مرزهای بیرونی خانواده نیز نقش مهمی در پایداری زناشویی ایفا می‌کند (فیوری و همکاران، ۲۰۱۷؛ اولسون^۶، ۲۰۰۱). مطالعات نشان می‌دهند که دخالت بیش از حد خانواده همسر یا حمایت نشدن از سوی بستگان گسترده می‌تواند سبب ایجاد فشار زناشویی شود (هانسن^۷، ۲۰۲۱؛ تیمر و وروف^۸، ۲۰۰۰)؛ برای مثال در فرهنگ‌های جمع‌گرا (دارای الزامات خانوادگی قوی)، نقض مرزهای بیرونی (مثلاً دخالت والدین در تصمیم‌های همسران) یکی از دلایل اصلی درگیری زناشویی است (آلندورف و پاندیان^۹، ۲۰۱۶؛ تربورن^{۱۰}، ۲۰۰۴)؛ در مقابل در جوامع فردگرا با حمایت مورد نیاز محروم کند و آسیب‌پذیری در برابر پریشانی زناشویی را افزایش دهد (پرو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۷). افزون بر این مرزهای بیرونی خانواده. چگونگی مدیریت روابط زوجین با اعضای خانواده گسترده‌تر. نقش مهمی در پویایی زناشویی ایفا می‌کند (اسکوورون و همکاران، ۲۰۰۹). هنگامی که مرزهای بیرونی خانواده بیش از حد مزاحم یا دور از دسترس باشد، ممکن است به تنش بین همسران دامن زده، و ثبات زناشویی را بیش از پیش تهدید کند (فیوری و همکاران، ۲۰۱۷).

مطالعات پژوهشی فراوانی در دهه‌های اخیر به بررسی مؤلفه‌های تعیین‌کننده در پایداری ازدواج پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که به طور مداوم در تحقیقات مختلف، ارتباطی قوی و مثبت با رضایت زناشویی پایدار نشان داده، مقوله «مرزهای خانواده» است (نورتون و بابتیست، ۲۰۱۴؛ غفاری اصل و همکاران، ۱۴۰۲). مرزها در خانواده به عنوان خطوط روان‌شناختی، عاطفی و گاه فیزیکی نامرئی عمل می‌کنند که افراد، زیرسیستم‌ها و خود خانواده را از محیط

1. Waite & Gallagher
2. Knapp
3. Minuchin
4. Bayang-Hall
5. Skoogron & Schmitt
6. Olson
7. Hansen
8. Timmer & Veroff
9. Allendorf & Pandian
10. Thorburn
11. Proulx

بیرون متمایز می‌سازند. این مرزها وظایف بزرگ و حیاتی در جهت حفظ، ارتقا، تمایز و یکپارچگی کل نظام خانواده و همچنین حفاظت و تسهیل رشد سالم تک‌تک اعضای آن برعهده دارند (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰).

از نظر ساخت‌نگرها که مینوچین یکی از برجسته‌ترین نمایندگان آن است، عملکرد ایده‌آل یک خانواده به شدت به ساختار آن، به‌ویژه به انعطاف‌پذیری مرزهای میان اعضا و زیرسیستم‌ها وابسته است. مینوچین (۱۹۷۴؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۹) معتقد است که خانواده سیستمی پیچیده است که در آن، زیرسیستم‌های زوجی، والد و فرزندی و نیز مرزهای درون خانوادگی و برون خانوادگی نقش اساسی در تنظیم رفتار و ارتباطات اعضا ایفا می‌کنند. او بر اهمیت انعطاف‌پذیری مرزها تأکید می‌کند؛ بدین معنا که مرزها باید به اندازه کافی صلب و سخت باشند تا هویت و استقلال اعضا و زیرسیستم‌ها را حفظ کنند، اما در عین حال باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر هم باشند که امکان ورود و خروج و ارتباط با محیط بیرون و همچنین تغییر و تطابق با نیازهای در حال تحول اعضا را فراهم آورند. آلن (۲۰۰۸) نیز در تکمیل این دیدگاه معتقد است که در یک خانواده سالم و منسجم روابط بین فردی صمیمی، مبتنی بر احترام متقابل و در چارچوب مرزهای روشن و تعریف‌شده استوار است.

در بستر دین مبین اسلام نیز خانواده به عنوان یک واحد بنیادین و مقدس، به طور خاص بدان توجه شده است. قرآن کریم ازدواج شرعی و همتای اعتقادی را شرط صدق عنوان «زوجیت» دانسته و هرگاه چنین کفویتی وجود نداشته باشد، آنان را همسر به شمار نیاورده و برای ایشان از واژه «زوج» استفاده نکرده است (طیب حسینی و انصاریان، ۱۳۹۷). پس در بینش قرآنی برخلاف رویکرد ساخت‌نگر، پایه اساسی خانواده هسته‌ای و گسترده، زن و شوهری است که بنابر قوانین شرعی خاص ازدواج کرده‌اند (سراقی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸). ماهیت، کارکرد و چگونگی تنظیم مرزهای خانوادگی در آموزه‌های اسلامی به روشنی تبیین شده است. اهمیت این مرزها از آن رو دوچندان می‌شود که ایفای درست نقش‌های خانوادگی و تأمین سلامت روانی، عاطفی، جنسی، اقتصادی و سایر ابعاد سلامت اعضای خانواده مستقیماً به وجود مرزهای بهنجار و تعریف‌شده خانوادگی وابسته است. این امر، به‌ویژه در مورد زیرسیستم زوجینی که به عنوان هسته‌ای‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین زیرسیستم در خانواده شناخته می‌شود، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد. سلامت و کارایی این زیرسیستم منوط به داشتن مرزهای بهنجار

است تا بتواند نقش‌های خود را در کمال آرامش، بدون دخالت‌های بی‌مورد از سوی سایر اعضای خانواده (مانند والدین یا فرزندان) و نیز بدون نفوذ مخرب از بیرون خانواده به بهترین شکل ممکن ایفا کند. نظام تعاملات زوجین در خانواده براساس قواعد و اصول اسلامی در قالب اخلاقیات و احکام عملی ناظر به تنظیم روابط میان خود زوجین، روابطشان با محیط بیرون خانواده و نیز با خانواده‌های اصلی (مبدأ) خود بیان شده است. این چارچوب جامع را می‌توان الگوی اسلامی مرزهای زوجینی خانواده نامید.

براساس تحلیل عمیق‌تر یافته‌های برگرفته از متون اسلامی و روایات معتبر، می‌توان انواع گوناگونی از مرزها را برای زیرسیستم زوجینی ترسیم و طبقه‌بندی کرد. بخشی از این مرزها به‌طور مستقیم کیفیت و کمیت تعاملات فی‌مابین خود زوجین را هدف قرار می‌دهند؛ درحالی‌که بخش دیگر تعاملات زوجین با محیط خارج از خانواده هسته‌ای و به‌طور خاص با خانواده‌های اصلی‌شان را دربرمی‌گیرند (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹). به‌طور مشخص قرآن کریم و سنت نبوی به تبیین صریح و دقیق مرزهای زیرسیستم زوجینی پرداخته‌اند. این مرزهای بنیادین زوجینی را که دربرگیرنده مجموعه‌ای از قوانین الزامی و غیرالزامی اسلامی ناظر به ابعاد تعاملات زوجین هستند، می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

تعهد خاص زناشویی: پابندی مطلق به چارچوب عقد نکاح، حفظ حریم‌ها و تعهدات ناشی از آن و پرهیز از هرگونه رابطه نامشروع یا خیانت. این اصل اساسی‌ترین مرز در روابط زوجین است که بنیان اعتماد و امنیت را بنا می‌نهد.

فضای روانی-فیزیکی اختصاصی: صیانت از قلمرو شخصی و مشترک زوجین، چه از نظر فیزیکی (مانند اتاق خواب و فضاهای خصوصی) و چه از نظر روانی (مثل افکار، احساسات و اسرار شخصی)؛ این امر شامل حفظ اسرار زندگی مشترک از دیگران و دخالت نداشتن بی‌مورد اطرافیان در امور خصوصی زوجین است.

تعاملات جنسی: تعریف و تنظیم روابط جنسی مطابق با موازین شرعی و اخلاقی شامل رضایت طرفین، حفظ بهداشت و سلامت و پرهیز از هرگونه سوءاستفاده یا اجبار است؛ این حیطه یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین ابعاد زندگی زناشویی می‌باشد که نیازمند رعایت دقیق مرزهاست. تعاملات غیرجنسی: تعیین مرزهای رفتاری، کلامی و ارتباطی در تعاملات روزمره ازجمله نحوه صحبت کردن، رفتار با یکدیگر در جمع و خلوت و پرهیز از هرگونه توهین، تحقیر یا

رفتار نامناسب که می‌تواند به کرامت و احترام طرفین لطمه بزند.

رازداری و امانتداری زناشویی: حفظ اسرار و اطلاعات خصوصی زندگی مشترک و افشای نکردن آنها نزد دیگران، به‌ویژه درباره مسائل حساس یا خصوصی که می‌تواند به اعتبار و رابطه زوجین آسیب بزند؛ این امر شامل امانتداری در حفظ اسرار یکدیگر نیز می‌شود.

از این منظر می‌توان به روشنی دریافت که مرزهای زوجینی (درون سیستمی) و مرزهای بیرونی خانواده (تعامل با محیط خارج از خانواده هسته‌ای) نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای بر پایداری، استحکام و سلامت کلی ازدواج ایفا می‌کنند. اهمیت این مرزها در آموزه‌های اسلامی از آن جهت برجسته می‌شود که ایفای درست برخی از رسالت‌های بنیادین خانواده مانند تربیت اجتماعی درست فرزندان، استحکام روابط خانوادگی و حفظ کیان خانواده در برابر آسیب‌های بیرونی مستلزم تعاملات سازنده، قانونمند و متعادل با محیط بیرون است (بستان، ۱۳۹۲). این امر تنها در صورتی میسر است که زیرسیستم زوجینی دارای مرزهای بهنجار و مستحکم باشد؛ به‌گونه‌ای که ضمن حفظ استقلال و هویت منسجم خود قادر به تعامل مؤثر و متعادل با محیط بیرون باشد. این زیرسیستم نباید به‌طور نامناسب در منظومه‌های دیگر (مانند خانواده‌های اصلی والدین) دخالت کند و یا اجازه دهد که دیگران به صورت نامشروع در حریم خصوصی و فرایندهای تصمیم‌گیری‌شان دخالت کنند. البته زوجین با برخورداری از اتحاد درونی قوی باید بتوانند با دنیای خارج از خانواده خود، ارتباطات سازنده و مؤثری برقرار کنند (نیکولز و نیکولز، ۲۰۰۶؛ فتحی و همکاران، ۱۴۰۱).

براساس بررسی جامع پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی خانواده و ازدواج مشخص شد که تاکنون، تحلیل مسیر مستقیم و اثرگذاری مؤلفه‌های مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده بر پایداری ازدواج، به صورت یک پژوهش مستقل و متمرکز، به‌ویژه با رویکردی تلفیقی و اسلامی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو پژوهش حاضر با هدف آزمون تجربی این فرضیه‌ها سامان یافت: بین کیفیت مرزهای زوجینی (درون سیستمی) و میزان پایداری ازدواج، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد (هرچه مرزهای زوجینی بهنجارتر و مستحکم‌تر باشند، پایداری ازدواج بیشتر خواهد بود) و نیز بین کیفیت مرزهای بیرونی خانواده (تعامل با محیط خارج) و میزان پایداری ازدواج رابطه معنادار و مثبت وجود دارد (هرچه تعاملات خانواده با محیط بیرون در چارچوب مرزهای سالم و متعادل صورت گیرد،

پایداری ازدواج افزایش خواهد یافت).

همان طور که پیش تر در تحلیل های نظری و یافته های پژوهشی بیان شد، می توان رابطه ای قوی و معنادار بین این مؤلفه ها تصور کرد. مسیر پایداری ازدواج به نظر می رسد که از کیفیت و انسجام مرزهای درونی (زوجینی) و نیز کیفیت تعاملات با دنیای بیرون (مرزهای بیرونی) آغاز شده و با تحقق انتظارات زوجین، رضایت متقابل و سایر مؤلفه های حمایتی به پایداری قابل دستیابی خواهد رسید؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که تقویت، تنظیم درست و حفظ بهنجار مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده، نه تنها به عنوان یک راهبرد درمانی، بلکه به عنوان یک رویکرد پیشگیرانه می تواند به طور مؤثر و پایدار موجب افزایش و تضمین پایداری و سلامت روابط زناشویی شود. این امر در نهایت به ارتقای سلامت فردی و اجتماعی و کاهش آسیب های مرتبط با فروپاشی خانواده کمک شایانی خواهد کرد؛ از این رو پژوهش حاضر به دنبال آزمون پیش بینی پذیری پایداری ازدواج از طریق مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده است. فرضیه های فرعی پژوهش عبارت اند از: ۱. بین پایداری ازدواج و استحکام مرزهای زوجینی رابطه ساختاری مثبت و معنادار وجود دارد؛ ۲. بین پایداری ازدواج و سلامت مرزهای بیرونی خانواده رابطه ساختاری مثبت و معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

با توجه به هدف اصلی پژوهش که تبیین رابطه بین متغیرهای مرزهای زوجینی، مرزهای بیرونی خانواده و پایداری ازدواج است، روش تحقیق توصیفی-همبستگی انتخاب شد. این رویکرد پژوهشی امکان بررسی و شناسایی روابط خطی یا غیرخطی میان متغیرهای مورد مطالعه را بدون دستکاری مستقیم آنها فراهم می آورد.

جامعه آماری این پژوهش، تمامی زنان و مردان متأهل مقیم استان قم در سال ۱۴۰۴ را دربرمی گیرد. در مورد تعیین حجم نمونه مناسب برای این مطالعه از روش های آماری معتبر از جمله روش های مبتنی بر تحلیل توان آزمون مانند روش تاباچینگ استفاده شد. براساس محاسبات انجام شده با در نظر گرفتن سطح معناداری $\alpha = 0.05$ و توان آزمون $1 - \beta = 0.80$ ، حجم نمونه مطلوب برای این پژوهش، ۱۸۰ نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه ها از میان جامعه آماری از روش نمونه گیری در دسترس در میان زوجین شهر قم استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپانیر

این پرسشنامه را اسپانیر در سال ۱۹۷۶ به منظور سنجش سازگاری بین زوجین یا هر دو نفری که با هم زندگی می‌کنند، تنظیم کرده است. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد رضایت زناشویی، همبستگی زناشویی، توافق زناشویی و ابراز محبت را می‌سنجد. این ابزار شامل ۳۲ سؤال بوده و برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن یا شوهر یا هر دو نفر طراحی شده است. از این پرسشنامه می‌توان برای دو هدف بهره برد: نخست با محاسبه نمرات کلی برای اندازه‌گیری رضایت عمومی در یک رابطه صمیمانه استفاده شود و دوم، تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد که عبارت‌اند از: رضایت دونفری، همبستگی دونفری، توافق دونفری و ابراز محبت. نمره کل مقیاس از همسانی درونی خوبی با آلفای کرونباخ ۰.۹۶ برخوردار است. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها نیز در سطحی بین خوب تا عالی قرار دارد: رضایت دونفری ۰.۹۴، همبستگی دونفری ۰.۸۱، توافق دونفری ۰.۹۰ و ابراز محبت ۰.۷۳ (ثنایی، ۱۳۷۹). در این پژوهش نیز پایایی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ ۰.۹۴ به دست آمد. روایی محتوایی این مقیاس با استفاده از روش‌های منطقی بررسی و تأیید شد؛ همچنین این مقیاس با قدرت تمییزدهندگی زوج‌های متأهل و مطلقه در هر سؤال، روایی خود را برای گروه‌های شناخته‌شده نشان داده است. مقیاس سازگاری زناشویی از روایی همزمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک. والاس همبستگی دارد (ثنایی، ۱۳۷۹). این مقیاس در ایران نیز در سال ۱۳۷۴ توسط آموزگار و حسین‌نژاد هنجاریابی شده است. نمره‌گذاری این پرسشنامه سه نوع مقیاس رتبه‌بندی متفاوت را ارائه می‌دهد که نمرات بالاتر نشان‌دهنده رابطه بهتر و سازگارتر است.

پرسشنامه سنجش مرزهای روانشناختی خانواده

این پرسشنامه را هوشیاری و همکارانش در ایران در سال ۱۴۰۰ براساس آموزه‌های قرآن کریم ساخته، و هنجاریابی کردند. الگوهای نهایی این پرسشنامه شامل پنج مرز مرتبه اول، پانزده مرز مرتبه دوم و ۶۴ مرز مرتبه سوم است. روایی محتوای گویه‌ها از سوی کارشناسان براساس شاخص‌های CVI و CVR تأیید و پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. پایایی کل پرسشنامه ۰.۹۷۵، مرزهای عام ۰.۸۸۴، مرزهای زوجینی ۰.۹۲، مرزهای والدینی

۰.۹۲۵، مرزهای خواهران. برادران ۰.۷۸۹ و مرزهای بیرونی ۰.۷۶۱ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی بیانگر تأیید روایی سازه برای پنج عامل (مرز) زیربنایی و ۱۶۴ گویه برای سنجش آنها بود. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه مرزهای خانواده نشان داد که پرسشنامه ۱۶۴ گویه‌ای از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

۲۵/۶ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۷۴/۴ درصد نفر زن بوده‌اند. سن ۱۱/۱ درصد پاسخ‌گویان ۲۰ تا ۲۵ سال است. ۱۲/۲ درصد پاسخ‌گویان در بازه ۲۶ تا ۳۰ سال هستند. ۱۳/۳ درصد پاسخ‌گویان در سن ۳۱ تا ۳۵ سال بوده‌اند. سن ۲۰/۶ درصد پاسخ‌گویان بین ۳۶ تا ۴۰ سال است. ۲۲/۸ درصد پاسخ‌گویان در بازه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال هستند. ۲۰ درصد نیز بیشتر از ۴۶ سال داشته‌اند. ۲۸/۹ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم بوده‌اند. ۳۸/۳ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات کارشناسی بوده‌اند. ۱۸/۳ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بوده‌اند. تحصیلات ۳/۳ درصد پاسخ‌گویان در حد دکتری و ۱۱/۲ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند. بین ۱ تا ۳ از ازدواج ۱۵ درصد پاسخ‌گویان گذشته است. ۴/۴ درصد پاسخ‌گویان بین ۴ تا ۵ سال گذشته ازدواج کرده‌اند. از ازدواج ۷/۸ درصد پاسخ‌گویان بین ۶ تا ۷ سال گذشته است. مدت تأهل ۱۰/۶ درصد پاسخ‌گویان بین ۸ تا ۱۰ سال و ۶۲/۲ درصد پاسخ‌گویان بیشتر از ۱۰ سال متأهل بوده‌اند. ۵۲/۲ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده که بیکار بوده و ۴۷/۸ درصد نیز شاغل بوده‌اند. در جدول ۱ آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

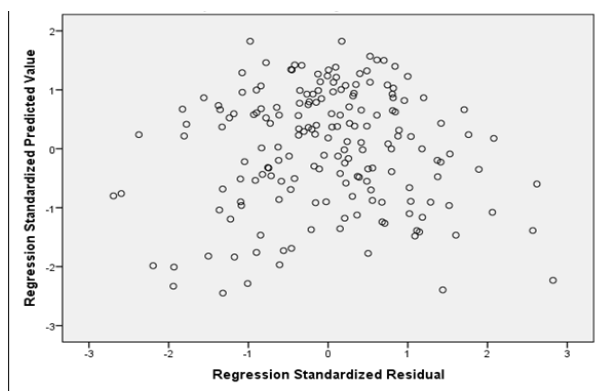
متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	سازگاری زناشویی	مرزهای زوجینی
سازگاری زناشویی	۱۱۴/۷	۲۲/۳۱	-۰/۷۸	۰/۴۶	۱	
مرزهای زوجینی	۱۱۶/۹	۱۴/۷۷	-۰/۶۲	-۰/۴۲	۰/۷۹۱**	۱
مرزهای بیرونی	۴۳/۶	۶/۲۲	-۰/۱۳	-۰/۵۰	۰/۶۲۳**	۰/۵۹۷**

$$P \leq 0/01**$$

میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است. میزان کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش بین ۲- و ۲+ است؛ بنابراین می‌توان گفت توزیع متغیرهای تحقیق متقارن است.

ضریب همبستگی پایداری ازدواج و مرزهای زوجینی مثبت و معنادار است ($r = 0/791$)؛ بنابراین اولین فرضیه فرعی تحقیق تأیید شد.

ضریب همبستگی بین پایداری ازدواج و مرزهای بیرونی مثبت و معنادار است ($r = 0/623$)؛ بنابراین دومین فرضیه فرعی تحقیق تأیید شد. به منظور آزمون فرضیه اصلی پژوهش و بررسی پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی از رگرسیون خطی استفاده شده است. نخست پیش‌فرض‌های رگرسیون بررسی شد و نتیجه آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نشان داد توزیع باقیمانده‌های رگرسیون نرمال است ($K-S = 0/27$ ، $Sig = 0/200$). به منظور بررسی ثابت بودن واریانس باقیمانده‌ها از نمودار پراکندگی باقیمانده‌های استاندارد در برابر مقادیر استاندارد برآورد شده استفاده شد.



نمودار ۱: پراکندگی باقیمانده‌های استاندارد شده در برابر مقادیر برآورد شده استاندارد رگرسیون

از آنجا که نمودار پراکندگی یادشده روند خاصی را نشان نمی‌دهد می‌توان گفت دومین مفروضه مناسب بودن رگرسیون (ثابت بودن واریانس) نیز برقرار است.

به منظور بررسی پیش‌فرض عدم وجود همخطی چندگانه از شاخص سطح تحمل با نقطه برش ۰/۱ و شاخص عامل تورم واریانس با نقطه برش ۱۰ استفاده شد. این شاخص‌ها در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: شاخص‌های سطح تحمل و عامل تورم واریانس

متغیرهای پیش‌بین	سطح تحمل	عامل تورم واریانس
مرزهای بیرونی	۰/۶۴۴	۱/۵۵۳
مرزهای زوجینی	۰/۶۴۴	۱/۵۵۳

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد نگرانی در مورد وجود همخطی چندگانه وجود ندارد. با برقراری پیش فرض‌های رگرسیون می‌توان به نتایج رگرسیون اعتماد کرد. نتایج رگرسیون خطی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج رگرسیون‌ها برای بررسی نقش مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی

متغیر(های) پیش‌بین	ضریب B	خطای استاندارد	ضریب بتا	T	سطح معناداری	F(P)
مقدار ثابت	-۳۷/۰۷۷	۸/۲۶۸		-۴/۴۸۴	۰/۰۰۰	F = ۱۷۲/۹۱۶ P = ۰/۰۰۰۱
مرزهای زوجینی	۰/۹۸۴	۰/۰۸۲	۰/۶۵۱	۱۱/۹۴۹	۰/۰۰۰	
مرزهای بیرونی	۰/۸۴۱	۰/۱۹۵	۰/۲۳۵	۴/۳۰۵	۰/۰۰۰	

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد دو متغیر مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی توانسته‌اند به صورت معناداری پایداری ازدواج را پیش‌بینی کنند ($F = ۱۷۲/۹۱۶$, $P = ۰/۰۰۰۱$)؛ بنابراین فرضیه اصلی تحقیق تأیید شد. ضریب رگرسیون هر دو متغیر پیش‌بین مثبت و معنادار است، به عبارت دیگر دو متغیر پیش‌بین با متغیر ملاک رابطه مستقیم دارد و افزایش مقدار متغیرهای پیش‌بین با افزایش متغیر ملاک همراه می‌باشد و برعکس کاهش در مقدار متغیرهای پیش‌بین با کاهش در متغیر ملاک همراه است. ضرایب استاندارد رگرسیون نشان داد از بین دو متغیر پیش‌بین مرزهای زوجینی با $\beta = ۰/۶۵۱$ نسبت به مرزهای بیرونی با $\beta = ۰/۲۳۵$ نقش بیشتری در پیش‌بینی متغیر ملاک دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بنیادی تبیین سازوکارهای مؤثر بر پایداری نهاد مقدس ازدواج به تحلیل عمیق و چندوجهی نقش کلیدی مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده پرداخت. در این راستا رویکرد تحلیلی تحقیق، با تکیه بر داده‌های میدانی که به دقت از جامعه آماری متشکل از زنان و مردان متأهل در استان قم گردآوری شده بود، به آزمون فرضیه‌های اساسی پژوهش مبادرت ورزید.

فرضیه اول: بین پایداری ازدواج و استحکام مرزهای زوجینی رابطه ساختاری مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌های حاصل از تحلیل‌های آماری پیشرفته، همبستگی مثبت و از نظر آماری معناداری را میان پایداری ازدواج و استحکام مرزهای زوجینی آشکار ساخت. این همبستگی قوی، نه تنها

فرضیه اول پژوهش را به طور کامل تأیید می‌کند، بلکه بر اهمیت حیاتی تعریف روشن و رعایت دقیق این مرزها در بقا و شکوفایی روابط زناشویی تأکید می‌ورزد. این نتیجه قاطع با یافته‌های پیشین محققانی چون هوشیاری و همکاران (۱۳۹۹) و صفورایی و همکاران (۱۴۰۲) همسو بوده، و بر استحکام نظری این ارتباط صحه می‌گذارد. استحکام این مرزها به عنوان یک سپر دفاعی و چارچوبی برای تعاملات، نقشی بنیادین در ایجاد فضایی امن و قابل پیش‌بینی ایفا می‌کند. این امنیت بستر لازم برای شکل‌گیری اعتماد عمیق‌تر و کاهش اضطراب‌های ناشی از عدم قطعیت در روابط را فراهم می‌آورد. فقدان این مرزها یا ابهام در آنها غالباً به سوء تفاهم‌ها، برداشت‌های نادرست و تجاوز به حریم‌های شخصی و روانی می‌انجامد که این امر خود زمینه‌ساز بروز تعارضات و تنش‌های مداوم در زندگی مشترک است.

در چارچوب مبانی اسلام و تعالیم جامع قرآن کریم، مرزهای زوجینی به مثابه چارچوبی الهی و هدایتگر برای تنظیم تعاملات همسران عمل می‌کنند. این مرزها که ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرند شامل تعهد خاص زناشویی، حفظ فضای روانی، فیزیکی اختصاصی زوجین، رعایت حدود شرعی در تعاملات جنسی و غیرجنسی، پایبندی به رازداری زناشویی و مدیریت دقیق انتظارات متقابل می‌شود (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹). این مرزها به چندین دلیل بنیادین در پایداری ازدواج نقش ایفا می‌کنند؛ اولاً ایجاد حس امنیت و اعتماد که تعریف روشن این مرزها، فضایی امن و قابل پیش‌بینی برای زوجین فراهم می‌آورد که به تقویت حس اعتماد و کاهش اضطراب در روابط کمک شایانی می‌کند؛ ثانیاً پیشگیری از تعارضات که بیشتر اختلافات زناشویی ناشی از ابهام در انتظارات یا تجاوز به حریم‌های شخصی و روانی است و تعیین دقیق مرزها مانع از بروز این‌گونه تعارضات می‌شود؛ ثالثاً ارتقای صمیمیت و ارتباط مؤثر که وقتی همسران حدود ارتباطی خود را می‌شناسند و به آن احترام می‌گذارند، می‌توانند با صمیمیت بیشتری با یکدیگر تعامل کنند و نیازهای عاطفی و روانی یکدیگر را بهتر درک و برآورده سازند؛ رابعاً حفظ هویت زوجی که مرزهای زوجینی ضمن حفظ استقلال فردی هریک از همسران به شکل‌گیری هویت مشترک ما کمک کرده، و پیوند زناشویی را مستحکم‌تر می‌سازد. پایبندی به حدود تعیین شده در اسلام، نه تنها موجب رضایت الهی است بلکه به آرامش درونی افراد و ایجاد محیطی سرشار از آرامش در خانواده کمک شایانی می‌کند. قرآن کریم با بیان قوانین الزامی و غیرالزامی ناظر به تعاملات زوجین، چارچوبی را برای

حریم و مرز در خانواده ارائه می‌دهد که زمینه‌ساز آرامش فردی و انسجام خانوادگی است. این نگاه سیستمی به خانواده که در آن هر جزء فرد یا زیرمجموعه دارای حد و مرزی مشخص است و دیگران ملزم به رعایت آن هستند، به‌ویژه در مورد زیرمجموعه زوجینی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. با اذعان به این نکته که پژوهش‌های پیشین در حوزه روابط زوجینی، به‌ویژه در زمینه مرزبندی‌های دقیق، محدود بوده است. این تحقیق تلاش خود را بر پایه‌ریزی تبیین‌های نظری مستحکم با بهره‌گیری از مفاهیم مشابه و رویکردهای مرتبط متمرکز ساخته است. این رویکرد در جهت گسترش دانش نظری در این حوزه کمتر کاوش شده، گامی مهم دانسته می‌شود و درک عمیق‌تری از پویاییهای حاکم بر روابط زناشویی ارائه می‌دهد.

فرضیه دوم: بین پایداری ازدواج و سلامت مرزهای بیرونی خانواده رابطه ساختاری مثبت و معنادار وجود دارد.

در این راستا نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان پایداری ازدواج و سلامت مرزهای بیرونی خانواده رابطه‌ای مثبت و قوی برقرار است. این کشف مهم، فرضیه دوم تحقیق را نیز به تأیید رسانده، و مؤکد می‌سازد که چگونگی تعامل خانواده با محیط پیرامون، تأثیر مستقیمی بر دوام و استحکام پیوند زناشویی دارد. این یافته با پژوهش‌های گسترده‌ای از جمله هوشیاری و همکاران (۱۳۹۹)، بستان (۱۳۹۲)، کلدبرگ و کلدبرگ (۲۰۰۸)، هانسون و همکاران (۲۰۲۱) و فینگرمن و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی کامل دارد. از دیدگاه نظریه سیستمی خانواده، مرزهای بیرونی خانواده به عنوان خطوط تمایزدهنده‌ای عمل می‌کنند که تعیین‌کننده نحوه تعامل خانواده با دنیای خارج از خود است (نیکولز و نیکولز، ۲۰۰۶). خانواده‌ای که دارای مرزهای بیرونی بهنجار یا منعطف است، ویژگی‌هایی چون حفظ استقلال و هویت خانوادگی را بروز می‌دهد؛ به این معنا که ضمن پذیرش تأثیرات بیرونی، هویت منحصر به فرد خود را حفظ می‌کند و تحت نفوذ بی‌رویه محیط قرار نمی‌گیرد. این استقلال به خانواده اجازه می‌دهد که بدون از دست دادن چارچوب‌های ارزشی و باورهای بنیادین خود از تجربیات و دانش دنیای خارج بهره‌مند شود؛ همچنین این خانواده‌ها قادرند ارتباطات سازنده‌ای با نهادهایی چون مدرسه، محل کار، جامعه محلی و دوستان برقرار کنند، بدون آنکه این تعاملات، انسجام درونی خانواده را مختل سازد که این امر بیانگر تعامل متعادل با جامعه است. این تعاملات متعادل، فرصت‌هایی برای رشد و یادگیری فراهم می‌آورد و از انزوای احتمالی خانواده جلوگیری می‌کند. مدیریت ورود و خروج

اطلاعات و افراد نیز از دیگر ویژگی‌های این خانواده‌هاست؛ به طوری که می‌توانند به طور مؤثر اطلاعات لازم را از محیط دریافت و اطلاعات مناسب را به بیرون منتقل کنند. همچنین اجازه می‌دهند افراد مناسب مانند اعضای خانواده در حال بزرگ شدن به تدریج مرزهای خود را با بیرون تنظیم کنند. این توانایی در مدیریت جریان اطلاعات و افراد به خانواده کمک می‌کند تا ضمن حفظ انسجام درونی از پویایی و گشودگی لازم برای سازگاری با تغییرات محیطی نیز برخوردار باشد. در نهایت مرزهای کارآمد از ورود عوامل نامطلوب یا مخرب فرهنگی، اجتماعی یا روانی به داخل خانواده جلوگیری و از سلامت روانی اعضا محافظت می‌کنند. این حفاظت، به ویژه در مواجهه با فشارهای اجتماعی، تغییرات فرهنگی ناخواسته یا الگوهای رفتاری نامناسب، اهمیتی حیاتی می‌یابد و به حفظ ثبات و سلامت عاطفی اعضای خانواده کمک می‌کند؛ بنابراین هردو دسته از مرزها، چه مرزهای درونی زوجین و چه مرزهای بیرونی خانواده، نقش اساسی در ایجاد یک رابطه زناشویی پایدار و سالم ایفا می‌کنند و از این رو توجه به تقویت و تنظیم آنها در فرایندهای مشاوره و روان‌درمانی زوجین، امری ضروری و بنیادین است.

فرضیه اصلی پژوهش: مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده، پایداری ازدواج را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که دو متغیر مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی توانسته‌اند به صورت معناداری پایداری ازدواج را پیش‌بینی کنند؛ بنابراین فرضیه اصلی تحقیق نیز تأیید شد، در تبیین این یافته می‌توان گفت:

در قلب یک ازدواج موفق و پایدار، سازوکاری پیچیده از مرزها نهفته است که هم به استحکام روابط درونی زوج و هم به بقای خانواده در برابر عوامل خارجی کمک می‌کند. این سازوکار به دو ستون اصلی، یعنی مرزهای زوجینی و مرزهای بیرونی خانواده وابسته است. مرزهای زوجینی که چگونگی تعامل، ارتباط و حفظ حریم میان همسران را شکل می‌دهد. این مرزها نه تنها بر میزان صمیمیت و اشتراک‌گذاری عواطف و افکار دلالت دارند، بلکه کیفیت استقلال فردی هر یک از همسران را نیز تعیین می‌کنند. مرزهای زوجینی سالم، فضایی را فراهم می‌کنند که در آن هریک از طرفین احساس کند دیده می‌شود، شنیده می‌شود و مورد احترام است؛ درحالی‌که هویت و فضای شخصی او نیز محفوظ می‌ماند. این تعادل ظریف میان «ما» شدن و «من» باقی ماندن، از آن درهم‌تنیدگی جلوگیری می‌کند که به از دست رفتن هویت فردی و وابستگی ناسالم می‌انجامد و از آن گسستگی بازمی‌دارد که سبب دوری

عاطفی، انزوا و سردی روابط می‌شود. هرگاه این مرزها به درستی تعریف و رعایت شوند، اعتماد عمیق‌تری شکل می‌گیرد، احساس امنیت روانی تقویت می‌شود و زوجین قادرند با شفافیت و صداقت بیشتری با یکدیگر ارتباط برقرار کرده، و تعارضات را به شیوه‌ای سازنده حل و فصل کنند. این استحکام درونی، پایه و اساس تاب‌آوری رابطه در برابر فشارهای درونی مانند تفاوت در نیازها، انتظارات یا الگوهای رفتاری است.

مرزهای بیرونی خانواده نیز درواقع پوسته حمایتی و راه ارتباطی خانواده با جهان بیرون است. این مرزها تعیین می‌کنند که خانواده چگونه با محیط پیرامون خود ازجمله خانواده‌های اصلی، دوستان، همکاران، جامعه، فرهنگ و حتی نهادهای اجتماعی ارتباط برقرار کند. یک مرز بیرونی سالم به خانواده اجازه می‌دهد تا ضمن حفظ انسجام و هویت منحصر به فرد خود از منابع حمایتی موجود در جامعه بهره‌مند شود، اطلاعات لازم را کسب کند و در صورت لزوم از دخالت‌های نامناسب و فشارهای مخرب خارجی درامان بماند؛ بدین معنا که خانواده می‌تواند به‌طور انتخابی و آگاهانه با دیگران تعامل کند، یعنی ارتباطات مفید را تقویت و نیز از ورود عوامل ناسازگار و آسیب‌زا جلوگیری کند. این انعطاف‌پذیری در مرزهای بیرونی، خانواده را در برابر چالش‌های خارجی مانند تغییرات اقتصادی، فشارهای اجتماعی یا بحران‌های فرهنگی مقاوم می‌سازد و به آن امکان می‌دهد تا ضمن حفظ استقلال خود از فرصت‌ها برای رشد و پیشرفت بهره‌برد.

وقتی این دو سیستم مرزی (مرزهای زوجینی و بیرونی) در هماهنگی و تعادل با یکدیگر عمل کنند، اثربخشی آنها چندین برابر می‌شود. یک رابطه زوجینی قوی و با ثبات درونی به خانواده قدرت و انسجام لازم را برای تعیین و حفظ مرزهای بیرونی مناسب می‌دهد؛ به عبارت دیگر زوجینی که در درون رابطه خود احساس امنیت و احترام متقابل دارند، بهتر می‌توانند با چالش‌های خارج از خانواده روبه‌رو شوند و از هویت خانوادگی خود محافظت کنند. از سوی دیگر یک مرز بیرونی سالم که خانواده را در برابر فشارهای خارجی محافظت می‌کند، به زوجین این امکان را می‌دهد که تمرکز خود را بر روی تقویت رابطه درونی خود حفظ کنند و از عوامل حواس‌پرت‌کننده یا مخرب دور بمانند.

ثمره تعادل و سلامت این دو مرز افزایش رضایت زن‌اشویی، کاهش تعارضات، تاب‌آوری بالاتر، رشد و شکوفایی بیشتر خواهد بود که همه اینها می‌توانند پایداری ازدواج را به دنبال

داشته باشند. زوجینی که در هر دو حوزه احساس امنیت، احترام و تعادل دارند، سطوح بالاتری از رضایت و خوشبختی را در زندگی مشترک تجربه می‌کنند. مرزهای روشن و مورد توافق از بروز بسیاری از سوء تفاهم‌ها و اختلافات جلوگیری کرده، به زوجین ابزارهای لازم برای مدیریت تعارضات باقی‌مانده را می‌دهد. خانواده‌ای که هم از نظر درونی قوی است و هم با دنیای بیرون تعامل سازنده‌ای دارد، توانایی بیشتری برای پشت سر گذاشتن بحران‌ها، سازگاری با تغییرات و حفظ پایداری در بلندمدت خواهد داشت. درنهایت این تعادل مرزی، فضایی را برای رشد فردی و مشترک هر دو همسر و نیز رشد کل سیستم خانواده فراهم می‌آورد و به ازدواج طول عمری سرشار از معنا و موفقیت می‌بخشد؛ بنابراین درک و تقویت هر دو نوع مرز، نه تنها برای پیش‌بینی پایداری ازدواج بلکه برای ایجاد یک زندگی مشترک سالم، رضایت‌بخش و بادوام، امری کاملاً ضروری و بنیادین است.

منابع

۱. بستان، حسین. (۱۳۹۲). «کوششی نظری در جهت ساخت مدل اسلامی ثبات خانواده». مطالعات زن و خانواده. ش. ۱. صص: ۶۹-۹۸.
۲. رسولی، وارس. (۱۳۹۵). «تدوین مدل بومی کارکرد خانواده براساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارض‌های زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه». زن و جامعه. سال هفتم. شماره ۳. صص: ۳۹-۶۰.
۳. صفورایی پاریزی، محمد مهدی و احمد رضا فامیل در دشتی. (۱۴۰۱). «نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی». پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی. دوره هفتم. شماره ۱۷. صص: ۱۱۱-۱۲۹.
۴. غفاری اصل، حکیمه؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی و سهراب عبدی زرین. (۱۴۰۲). «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس انعطاف‌پذیری خانواده با نقش میانجی مرزهای خانواده». پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. دوره یازدهم. شماره ۳. صص: ۳۱-۵۴.
۵. کیانی جلمردی، احمد رضا؛ اسدی، مسعود؛ شیرعلیپور، اصغر و الهام فتحی. (۱۳۹۹). «پرسشنامه مرزهای ارتباطی خانواده (RBQ): ساخت و هنجاریابی». روانشناسی مدرسه و آموزشگاه. دوره نهم. شماره ۴. صص: ۲۰-۳۳.
۶. نیکولز، مایکل پی و ریچارد سی شوارتز. (۱۳۹۸). خانواده درمانی (مفاهیم و روش‌ها). ترجمه محسن دهقانی و همکاران. تهران: دانژه.
۷. نیکولز، مایکل و ریچارد نیکولز. (۱۳۸۷). خانواده درمانی. ترجمه محسن دهقانی. تهران: دانژه.
۸. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی، محمد مهدی؛ جزایری، سید حمید و حسن تقییان. (۱۳۹۹). تبیین مرزهای خانواده براساس قرآن کریم و ساخت پرسشنامه سنجش آن. رساله دکتری. مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی قم.
9. Allan, G. (2008). Flexibility, friendship, and family. *Personal relationships*, 15(1), 1- 16.
10. and a Sustainable Lifestyle: Evidence from 32 Countries. *Sustainability*, 12, 120-.
11. Cobbinah, J. E., & Osei-Tutu, E. M. (2019). Pre-marital.
12. counselling and sustainability of marriages in contemporary Ghanaian.
13. Elizur, J., & Minuchin, C. (1990). *Institutionalizing Madness: Familes Therapy And Society*. Washington DC: APA psycinfo.

14. Fayyaz Saberi, Mh., Touzandeh Jani, H., Samari, AA., and Nejat, H. (2019). Predicting the stability of marriage based on marital adjustment and sexual self-expression mediated by emotional intelligence. *Clinical Psychology and Counseling Research*
15. Fingerma, K. L. et al. (2020). "In-Law Relationships and Marital Quality." *Family Relations*.
16. Ggoldenber, H, & Goldenber, I. (2008) *Family Therapy an Overview*. Brookscole: Cengage Learning.
17. Gregory, K.A. (2019). *Sustainable African American Marriages: Evaluating the Impact of Closeness to God and Religiosity on Marital Satisfaction and Longevity*. A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree. Doctor of Education
18. Hampton, K. et al. (2022). "Shared Social Networks and Marital Longevity." *Social Networks*.
19. Marriage? *Journal of Communication*. 2012; 52(2):24763-.
20. Michalitsianos, N. (2014). *Resiliency: A resource for promoting marriage satisfaction* (Doctoral dissertation, KeanUniversity).
21. Norton, A. M., & Baptist, J. (2014). Couple boundaries for social networking in middle adulthood: Associations of trust and satisfaction. *Cyber psychology. Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*, 8(4), 58– 64.
22. Piao, X., Ma, X., Zhang, C., Managi, S. (2020). *Impact of Gaps in the Educational Levels between Married Partners on Health*
23. Rios CM. *The relationship between premarital Advice, expectations and marital*.
24. *Satisfaction [MSc. Thesis]*. Utah: Utah State University; 2010.
25. Segrin C, Nabi RL. Does television viewing cultivate unrealistic expectations about
26. society. *International Journal of Political Activism and Engagement (IJP AE)*.